

The Criteria of Political Efficiency Relying on the Ideology of Wilayat-e Faqih (Guardianship of the Islamic Jurist)

Ahmad Rahdar¹

Seyed jalal Mousavi Sharabiani²

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Baqerul Uloom University, Qom, Iran.
fotooh.r@gmail.com

2. PhD. Student, Political Science, Baqerul Uloom University, Qom; Instructor, Department of Education, University of Islamic Arts, Tabriz, Iran (Corresponding Author).
sjsharabiani@tabriziau.ac.ir

Received: 2019/10/01; Accepted: 2020/05/19

Abstract

The purpose of the present study is to review and explain the criteria of political efficiency in the system of Wilayat-e faqih (guardianship of the Islamic jurist). The method of study was descriptive analysis; and considering the conceptual framework as well as the theory of doing responsibility as an index for the assessment of the governments, it was revealed that although the indices of political efficiency in different systems including religious and non-religious ones are evaluated by some fixed common categories, they are logically assessed differently due to their different features and based on the priority of criteria derived from Islamic references and religious ideology. The conspicuous feature of these criteria is adherence to religious principles and values so that the system of Wilat-e Faqih can achieve efficiency according to its purposes for the affairs both in this world and the other world based on commitment and capabilities. Therefore, the religious and committed government should manage both economic and spiritual affairs of people. Furthermore, efficiency based on belief in God and righteousness exists in the ideology of Wilayt-e Faqih. According to the principle of righteousness and justice, the middle objectives of an Islamic government consist providing material welfare, dignity, and freedom for people; and the ultimate objectives of an Islamic government consist bringing final guidance and prosperity for them. Thus, according to the epistemological and ideological tenets of Islam, neither belief in the other world and divinity is in contrast with development and the realization of the indices of efficiency in this world, nor development hinders spiritual prosperity in the other world. As a result, appropriate management of the affairs in this world can be compatible with the objectives in the other world and is not opposed to the efficiency of the political system.

Keywords: Wilayat-e Faqih (Guardianship of the Islamic Jurist), Political Efficiency, Imam Khomeini, Ayatollah Khamenei, Wali Faqih (Islamic Jurist Governor).

شاخصه‌های کارآمدی سیاسی نظام برآمده از اندیشه ولایت فقیه^۱

احمد رهدار^۱

سیدجلال موسوی شریانی^۲

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران.
fotooh.r@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم؛ مربی، گروه معارف، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران (نویسنده مسئول).
sjsharabiani@tabriziau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۳۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و تبیین شاخصه‌های کارآمدی سیاسی در نظام ولایت فقیه بود. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و با توجه به چارچوب مفهومی با معیار قرار دادن تئوری انجام تکلیف که از نظریات موجود پیرامون سنجش کارآمدی دولت‌ها است، مشخص شد که هرچند شاخصه‌های کارآمدی سیاسی در نظام‌های سیاسی مختلف اعم از دینی و غیردینی از طریق عناوین ثابتی مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد، اما به‌رغم اشتراک لفظی، به دلیل اختلاف ماهوی‌شان با منطقی متفاوت از منطق نظام‌های سیاسی یکدیگر، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. این شاخصه‌ها با توجه به اولویت‌بندی‌ای است که برگرفته از نصوص اسلامی و اندیشه دینی می‌باشد. ویژگی بارز این شاخصه‌ها آن است که تابع اصول و ارزش‌های دینی باشد و نظام ولایت فقیه براساس اهدافی که دارد کارآمدی خود را بنابر میزان تعهد خود تا حد وسع و توانش براساس انجام تکلیف، پیگیری نماید که قلمرو آن، هم شامل امور دنیوی است و هم اخروی. در نتیجه حکومت تکلیف مدار دینی، تدبیر امر معاش و معاد مردم را، توأمان بر عهده دارد. لذا، کارآمدی بر مبنای خدا باوری و حق محوری روح حاکم بر سیاست، در اندیشه حکومت ولایت فقیه است. براساس این اصل و در چارچوب حق‌مداری و عدالت‌ورزی، تأمین رفاه مادی، کرامت و آزادی انسان، به صورت تکلیفی و از اهداف میانی حکومت اسلامی است و هدایت و سعادت‌مندی نهایی انسان، در زمره اهداف نهایی حکومت اسلامی قرار دارد. بنابراین، به مقتضای میانی جهان‌شناختی و معرفت‌شناختی اسلام، نه خدامحوری و آخرت‌گرایی در تضاد با آبادانی دنیا و تحقق مولفه‌های کارآمدی بوده و نه آبادانی دنیا مانع از سعادت‌مندی اخروی است. در نتیجه تدبیر درست دنیا می‌تواند در راستای اهداف اخروی بوده و منافاتی با کارآمدی نظام سیاسی نداشته باشد.

واژه‌های کلیدی: ولایت فقیه، کارآمدی سیاسی، امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، ولی فقیه.

۱. این مقاله بر گرفته از رساله دکترای رشته علوم سیاسی با عنوان «شاخصه‌های کارآمدی سیاسی نظام ولایت فقیه با تاکید ر جمهوری اسلامی ایران» می‌باد که در تاریخ ۱۳۹۹/۴/۳۰ توسط دانشجو سیدجلال موسوی شریانی ارائه گردید.

۱. مقدمه

از مهمترین مسائلی که در نظام‌های سیاسی مطرح است، مسئله کارآمدی است که مبین موفقیت یک نظام در نیل به اهدافش می‌باشد. این امر هم ثابت شده است که اگر دولت‌ها و نظام‌های سیاسی بخواهند دوام و بقاء داشته باشند، لاجرم باید کارآمدی خود را به اثبات برسانند که نتیجه حداقلی آن تأمین عنصر حمایت ذهنی افراد جامعه از حکومت خواهد بود. نظام سیاسی برآمده از اندیشه ولایت فقیه، که مدعی کارآمدی دین در عرصه سیاسی و اجتماعی بوده است و مدیریت دینی را حتی فراتر از مرزهای ملی خود نویدبخش نیل به اهداف و آرمان‌های انسانی، اسلامی و الگویی والاتر در صدور انقلاب خود می‌داند. از آنجا که این اندیشه سیاسی و نظام برآمده از آن، دوران متعددی را سپری کرده و فشارها و بحران‌های ایجاد شده بر سر راه آن در طول چهل سال گذشته، آن را در جهت رسیدن به آنچه که به عنوان آرمان‌های انقلابی خود بوده، با تاخیر مواجه ساخته است، بنابراین، هنوز شعار انقلابی بودن و انقلابی ماندن رهبران آن به عنوان استراتژی ممتاز این نظام در ادامه حیات چهل ساله خویش مطرح است و کارآمدی خود را معلول شاخصه‌هایی می‌داند که هرچند اشتراک لفظی با نظام‌های غیر دینی دارد، اما این شاخصه‌ها بنابر اولویت‌بندی، ملهم از نصوص اسلامی و اندیشه دینی می‌باشد که عبارتند از: حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی، امنیت و ثبات سیاسی، مسئولیت‌پذیری، نظارت، مشارکت سیاسی، مبارزه با فساد و آزادی‌های مدنی.

در این راستا، پژوهش حاضر با توجه به شاخصه‌های مذکور در کارآمدی، با نگاه به اهداف غایی و اهداف میانی نظام ولایت فقیه، کارآمدی آن را با توجه به مبانی فکری و دینی رهبران سیاسی آن، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد.

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

در این پژوهش آنچه که به عنوان چارچوب مفهومی می‌تواند ملاک عمل باشد، عبارت است از: نظریه انجام تکلیف، که بنابر این نظریه، کارآمدی یک نظام با میزان تعهد و التزام حکومت به تکالیف مورد نظر جامعه سنجیده می‌شود. صرف‌نظر از این که این وظایف در عرصه عمل تا چه

حدی به توفیق دست یافته‌اند و یا میزان رضایت مردم در تحقق این تکالیف چقدر است، بنابراین، صرف انجام تکلیف، حاکی از کارآمدی است و هر مقدار که حکومت‌کنندگان به تکالیفی که از یک منبع فراگیری گرفته‌اند، بیشتر عمل کنند، کارآمدتر تلقی می‌شوند (ذو علم، ۱۳۷۹: ص ۵۸). مفهوم کارآمدی از منظر پژوهش حاضر بیشتر ناظر به انجام تکلیف است، یعنی تحقق اهداف از پیش تعیین شده در گرو انجام تکلیف بوده و تعریف مختار ما از کارآمدی در یک نظام دینی یعنی فلسفه تاسیس نظام سیاسی برای جامه عمل پوشاندن به اهدافی بوده است که مطابق با نظام ارزشی آن جامعه است که تعیین کننده جهت، هدف و سمت و سوی یک نظام دینی است. بنابراین، از منظر این تعریف، کارآمدی امری نسبی است و معیار قضاوت و ارزش‌گذاری درباره کارآمدی یا ناکارآمدی یک نظام را باید با اهداف خود آن نظام سیاسی سنجید، نه با اهداف دیگران. لذا، کارآمدی بر پایه نظریه انجام تکلیف، با تبیین و تعیین اهداف آن نظام سیاسی که با شاخص‌ها و محورهایی که وظایف و تکالیف نظام سیاسی را در نیل به اهداف مشخص می‌کند، با میزان التزام به تحقق این تکالیف، ملاک کارآمدی دانسته می‌شود.

در نظام ولایت فقیه که شاخص‌های کارآمدی آن به دلیل اختلاف ماهوی‌شان، با منطقی متفاوت از منطق نظام‌های سیاسی غیردینی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، در واقع برآمده از اندیشه و تئوری فکری رهبران آن بوده که برگرفته از نصوص اسلامی و اندیشه دینی براساس انجام تکلیف است. تحقق شاخصه‌های کارآمدی، براساس اصل تکلیف و در چارچوب حق‌مداری و عدالت‌ورزی، تأمین رفاه مادی، کرامت و آزادی انسان، که از جمله شاخصه‌های کارآمدی تمام نظامات سیاسی بوده، از اهداف میانی حکومت اسلامی است و هدایت و سعادت‌مندی نهایی انسان، در زمره اهداف نهایی حکومت اسلامی، به عنوان مقدمه کارآمدی نظام حکومت اسلامی قرار دارد. در نتیجه تدبیر درست دنیا می‌تواند در راستای اهداف اخروی بوده و منافاتی با کارآمدی نظام سیاسی نداشته باشد.

۳. شاخصه‌های کارآمدی نظام ولایت فقیه

با توجه به فلسفه تشکیل حکومت اسلامی که اهم آن در موارد فوق بیان شد، در نظریه

ولایت فقیه، تحقق کارآمدی در گرو اهداف آن بوده و نیز شرایطی برای ولی فقیه است. در تمام نظامات سیاسی، ضمن توجه به اهداف رایجی مانند خدمات عمومی بهداشتی، امنیت، رفاه که در همه حکومت‌ها مطرح است، اما در نظریه ولایت فقیه اهداف خاصی مبتنی بر نظام ارزشی اسلام در نظر گرفته شده است. چراکه ارزش‌ها سنگ بنای هر نظام سیاسی و اجتماعی را تشکیل می‌دهند و آنها را قوام و استمرار می‌بخشند. در حکومت دینی، دین، روح سیاست است و سیاست تابع دین قرار می‌گیرد. ولی فقیه، امام جامعه است، و براساس سیاست دینی عمل می‌کند، یعنی قرار است که طبق اصول با تعیین سیاست‌های کلان، تا آنجا که می‌تواند و تکلیف دارد، جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب هدایت کند که این امام جامعه دارای شرایطی است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در شرایط و صفات رهبر چنین آمده است:

۱) صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه،

۲) عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام،

۳) بینش سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

۴) در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تری باشد مقدم است (قانون اساسی، اصل یکصد و نهم).

لذا، اجمالاً عمده‌ترین محورهای وظایف و اهداف نظام ولایت فقیه، که در واقع تبیین کارآمدی آن است، بیان می‌شود که همان اهداف کارآمدی نظام سیاسی اسلام نیز است.

۴. اهداف نظام ولایت فقیه ناظر بر کارآمدی

۴-۱. اهداف غایی (مقدمه کارآمدی)

در مطالعات انقلاب یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی که توجه مخاطبان را به خود جلب می‌کند این است که انقلاب مذکور برای رسیدن به چه اهداف و مقاصدی شکل گرفته است که معمولاً این اهداف، در بیان رهبران انقلاب و در شعارها و بیانیه‌ها متبلور می‌شود. البته اهداف همه

انقلاب‌ها، یکسان و در یک رتبه نیستند، بعضی اهداف متوسط و اهداف میانی و مقدماتی هستند و برخی اهداف اصلی و نهایی و یا به عبارتی غایی می‌باشند.

تاریخ ملت‌ها و انقلاب‌های مردمی نشان داده است که با گذشت زمان و تغییر نسل‌ها و حاکمان، ممکن است تغییرات و حتی تحریفاتی در اهداف انقلاب‌ها به صورت عمدی یا سهوی اتفاق بیافتد. انقلاب اسلامی ایران به لحاظ ویژگی خاص آن در قیاس با سایر انقلاب‌ها در جهان و به لحاظ داشتن آرمان‌های دینی هرگز نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد، لذا با بازخوانی آن در اندیشه امام خمینی و رهبری معظم انقلاب به بیان این اهداف می‌پردازیم که در واقع تبیین کارآمدی نظام است.

چنانکه اشاره شد کارآمدی ناظر به اهداف و در گرو آن است. لذا به جهت اهمیت ابتدا به اهداف غایی که به عنوان مقدمه کارآمدی این انقلاب است، می‌پردازیم و سپس اهداف میانی آن، که در واقع نیل به کارآمدی و در گرو انجام تکلیف است، بررسی می‌شود.

۴-۱-۱. اهداف غایی (در اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری)

با بررسی و مطالعه حکومت و سیاست در جوامع مختلف به این نکته اساسی می‌رسیم که اهداف و آرمان‌های حکومت در هر جامعه‌ای مبتنی بر ایدئولوژی حاکم بر آن جامعه است و مفاهیمی چون سعادت، پیشرفت و توسعه، تعریف مشخصی می‌یابند. ابتدا باید آن را در سر منشاء اصلی آن یعنی در گفتمان بعثت و در ادامه، در تشکیل حکومت اسلامی که مرحله‌ای از مأموریت الهی پیامبر اعظم (ص) بود، بررسی کرد، چراکه در دل دستگاه معانی دینی باید برای آنها تعریفی متفاوت از آنچه معمول است، ارائه داد تا از هرگونه برداشت التقاطی و دوپهلوی از مفاهیمی چون توسعه، آزادی، دموکراسی، امنیت و... جلوگیری شود و از مناقشاتی که گاه در جامعه امروزی نیز در مسئله تعریف مفاهیم بوجود می‌آید، ممانعت شود.

بنابراین پژوهش حاضر از اهدافی بحث می‌کند که برای رسیدن به کارآمدی از منظر دینی به عنوان مقدمه واجب از آن یاد می‌شود که دقیقاً نکته تمایز با نظامات غیر دینی است. لذا، اهداف غایی به عنوان مقدمه کارآمدی در نظریه ولایت فقیه عبارتند از:

۴-۱-۱-۱. تأمین سعادت

از موضوعاتی که از دیرباز در فلسفه سیاسی اسلام، مطرح شده و جایگاه و مفهوم‌شناسی آن در چارچوب نظام سیاسی، مورد توجه قرار گرفته، سعادت است. سعادت انسان‌ها در پرتو حکومت اسلامی و نظام ولایت فقیه از امور مسلم و از اهداف غایی آن در تفکر سیاسی شیعه است و حتی بسیاری از متفکران غیر اسلامی نیز معتقدند که هدف حکومت، سعادت انسان و جوامع انسانی است. بنابراین، سعادت و تعالی معنوی انسان‌ها به عنوان عالی‌ترین هدف حکومت در نظریه ولایت فقیه، از جمله عناصری است که آزادی انسان را به عنوان شرط لازم برای تحقق کمال انسانی، امری ضروری نشان می‌دهد. بر این اساس، استفاده از ابزارهای ارزشی برای تحقق اصلی‌ترین هدف نظام اسلامی و برای رسیدن به کارآمدی، ضروری می‌نماید.

۴-۱-۱-۲. آزادی و رهایی از بردگی

از اهداف غایی و از کار ویژه نظام ولایت فقیه برای کمال انسان و شکوفایی استعدادها و متعالی او آن است که «هم باید به آزادی درونی، یعنی رهایی از قید و بند هوا هوس و تعلقات نفسانی توجه شود و هم به آزادی بیرونی در حد معقول آن؛ یعنی به اندازه‌ای که با ارزش‌ها و حقایق والای الهی تصادم نداشته باشد، بهاء داده شود» (نصری، ۱۳۸۷: ص ۴۴). نبود اهتمام به آزادی معنوی و رهایی از قید و بند درونی، آزادی بیرونی را نیز به خطر می‌اندازد، «وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف، ۱۵۷) و تا این امر محقق نشود، نمی‌توان در نظام دینی به کارآمدی امیدوار بود.

۴-۱-۱-۳. هدایت و تربیت مردم

از کارویژه نظام اسلامی بعد از رهایی انسان از قید بردگی درون و برون، هدایت جامعه به سوی کمال و ترویج خداپرستی است که این امر بدون تزکیه و تعلیم، در مبانی وحیانی میسر نیست. لذا، رهبر اسلامی در هدایت و تربیت مردم باید حریص باشد، زیرا پیامبر(ص) اینگونه بود، «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸)، که یکی از مقدمات واجب در کارآمدی است.

۴-۱-۱-۴. استقرار توحید و خداپرستی

آخرین کارویژه نظام اسلامی و نظام ولایت فقیه بعد از تعلیم و تربیت مردم که زمینه‌های کمال فراهم شد، تأمین هدف آفرینش است که هدف از آفرینش انسان رسیدن به کمال حقیقی، یعنی قرب الهی بوده و این مهم تنها در سایه عبودیت و بندگی خداوند است. استقرار توحید و خداپرستی در زمین و رهانیدن مردم از بندگی و فرمانبرداری غیر خدا، چنانکه از اهداف انبیاء است، از اهداف جانشینان آنها نیز می‌باشد و از آنجا که در تفکر اسلامی، انسان برای عبادت خدا آفریده شده است، لذا باید محیط و بستر این عبادت خدا فراهم گردد و زندگی مؤمنانه در آن آسان باشد، «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶).

با توجه به اهداف مذکور است که امام خمینی ضمن تقسیم سیاست به حیوانی و انسانی، سیاست در اسلام را تعریف کرده و هدف غایی سیاست را در اسلام هدایت جامعه به سوی صراط مستقیم دانسته است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۳، ص ۲۱۷). لذا، هدف حکومت اسلامی از منظر ایشان تأمین سعادت بشر، آزادی، هدایت و عبودیت می‌باشد (همان: ص ۲۱۸) که همان رسیدن به قرب الهی است. در مجموع پیرامون اهداف غایی حکومت باید گفت که سعادت‌جویی و کمال‌گرایی از اهداف نهایی و ارزش‌های غایی حکومت اسلامی بوده که در پرتو آن، بسط عدالت در حوزه‌های مختلف تأمین امنیت همه جانبه، ایجاد رفاه و تأمین معاش در سایه‌سار آن محقق خواهد شد و بدون مقدمات مذکور نیل به کارآمدی امری ابتر خواهد بود.

۴-۲. اهداف میانی (نیل به کارآمدی)

۴-۲-۱. اهداف میانی (در اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری)

همانطور که در سطور پیشین اشاره شد، مراد از کارآمدی در تعریف این پژوهش با توجه به نظریات مختلف در بحث کارآمدی حکومت‌ها، کارآمدی در جهت و هدف است. لذا، با مطالعه آثار امام خمینی و مقام معظم رهبری و نیز با توجه به اقدامات عملی ایشان، می‌توان کارآمدی را در یک جمله کوتاه یعنی نیل به اهداف دانست که در حقیقت همان اهداف میانی در نیل به کارآمدی حکومت نیز محسوب می‌شود. این اهداف همان شاخصه‌های هشت‌گانه‌ای است که به

عنوان کارآمدی سیاسی نظام ولایت فقیه، در بیان مسئله به آنها اشاره شد که نیل بدانها بر مبنای انجام تکلیف و در حد توان با توجه به مقدرات و رفع موانع است. این اهداف عبارتند از:

۴-۲-۱-۱. حاکمیت قانون اسلام

اولین هدف حکومت در کارآمدی نظام سیاسی که تقریباً مهم‌ترین آن‌ها نیز می‌باشد، حاکمیت قانون اسلام است.

امام خمینی همواره بر این مسأله تأکید داشتند که «اولاً باید در حکومت، قانون حاکم باشد و همه چیز براساس قانون اجرا شود، بین حاکم و مردم در اجرای قانون هیچ فرقی نباشد و قانون بدون هیچ کم‌وکاستی و بی‌توجه به مصلحت‌اندیشی‌های ظاهری در مورد همه اعمال شود؛ ثانیاً این قانون حاکم باید قانون اسلام باشد یا حداقل منافاتی با اسلام نداشته باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ص ۸۱).

مقام معظم رهبری نیز همواره بر حاکمیت قانون اسلامی و اجرای آن برای همه افراد و آحاد جامعه تأکید داشتند می‌فرمایند: «در نظام اسلامی، همه افراد از هر قشر و طبقه‌ای با هر عنوان و منصبی در برابر قانون برابرند. در نظام اسلامی باید همه افراد جامعه در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی یکسان و در بهره‌مندی از مواهب حیات متعادل باشند، هیچ قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ کس نتواند بر خلاف قانون، میل و اراده خود را به دیگران تحمیل کند» (مقام معظم رهبری، ۹۸/۱۱/۱۶).

البته در تمام نظامات سیاسی، حاکمیت قانون از شاخصه‌های اصلی کارآمدی است که در اندیشه و کلام این دو بزرگوار نیز همواره بر قوانین و مقرراتی که قابل اجرا باشند و تخطی از قانون اسلام نشود و راه‌های ترقی و پیشرفت جامعه را هموار سازد، تأکید فراوان شده است. به ویژه در توصیه به نمایندگان مجلس بسیار تأکید شده، چراکه در جامعه باید به گونه‌ای قوانین وضع شوند که جامعه را در مسیر تکامل، پیش ببرد و چنین امری را در جامعه محقق نماید و این امکان برای افراد فراهم شود که به حقوق خود دست یابند. در کنار آن، اجرای کامل قوانین آسمانی اسلام با تمام ابعاد آن، اعم از قوانین اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و نظامی باید در جامعه پیاده شود.

۴-۲-۱-۲. عدالت اجتماعی

یکی از مفاهیم کلیدی اهداف میانی حکومت، در نیل به کارآمدی، مفهوم عدالت می‌باشد. لذا، دومین هدف حکومت در نظام سیاسی اسلام و نظریه ولایت فقیه که به آن تصریح شده، عبارت است از اینکه زندگی انسان در عرصه فردی و اجتماعی براساس عدالت، استوار شود. در اسلام، عدالت اجتماعی به دلیل اصالت اهمیت آن به عنوان پدیده‌ای که دارای ارزش ذاتی می‌باشد، مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل در این نگرش، عدالت هدف اصیل است، نه آنکه وسیله و ابزاری برای رسیدن به هدف‌های اجتماعی دیگر - به استثنای سعادت - باشد.

از این رو، عدالت اجتماعی در اندیشه و سیره امام خمینی جایگاهی بس والا دارد، به گونه‌ای که می‌توان والاترین آرمان و خواسته امام خمینی را تحقق عدل و قسط در مبارزه با ظلم و ستم دانست. در مبانی دینی، حکومت برای تحقق عدل و قسط بوجود آمده است، لذا وضع و اجرای قوانین باید براساس عدالت صورت گیرد و سیاست و راه بردن جامعه باید براساس موازین عدل و قسط باشد (امام خمینی، ۱۳۷۳: ص ۵۸).

مقام معظم رهبری یکی از چشم‌اندازهای حکومت مطلوب و کارآمد را ایجاد عدالت و تحقق آن در تمام زمینه‌ها و ریشه‌کن کردن ظلم و ستم و بی‌عدالتی می‌داند. با توجه به گفتار و اندیشه ایشان چنین برمی‌آید که عدالت اجتماعی بر سه پایه اساسی استوار است که معماران و طراحان نظام اجتماعی و مدیران و سیاست‌گذاران در پی‌ریزی بنیان‌ها و سازمان‌های اجتماعی باید همواره آنها را مد نظر قرار دهند:

قوانین عادلانه، مجریان عادل و با تقوی، نظارت و آگاهی مردم (در مکتب جمعه، ۱۳۶۴: ج ۳، ص ۱۴۵).

ایشان درباره عدالت می‌فرمایند: «تکیه بر عدالت، اساسی‌ترین و محوری‌ترین اصل یک حرکت الهی است؛ ... همه کسانی که نانشان در بی‌عدالتی است، با عدالت دشمن هستند. همه کسانی که با قلدری و زورگویی چه در صحنه ملی، چه در صحنه بین‌المللی تغذیه می‌شوند، با عدالت مخالفند. عدالت، شعار اصلی و هدف بزرگ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بوده و هست ...» (همان: ج ۱۱، ص ۳۰۷).

از ویژگی‌های اصلی نظام‌های استبدادی و دیکتاتوری، ظلم و بی‌توجهی به مقوله عدالت است. در حالی که در نظریه ولایت فقیه، حکومت کارآمد، حکومتی است که بر پایه عدالت در سطوح مختلف و برچیدن ظلم در اشکال گوناگون، آن را از اصلی‌ترین اهداف خود معرفی می‌کند. به گونه‌ای که اگر بر خلاف آن عمل شود، حکومت، ماهیت دینی خود را از دست خواهد داد، چرا که استبداد و دیکتاتوری از بارزترین مصادیق ظلم است و به تعبیر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، «ظلم بزرگی برای ملت‌ها است و حکومت اسلامی در توجیه موجودیت خود ظلم‌ستیزی را از مؤلفه‌های اصلی خود بیان می‌کند» (مقام معظم رهبری، ۹۸/۱۱/۱۶).

۴-۲-۱-۳. امنیت و ثبات سیاسی

یکی از مهم‌ترین اهداف هر دولتی، در مقوله کارآمدی آن، استقرار امنیت و توجه ویژه به ثبات سیاسی است، تا جایی که بسیاری، فلسفه تشکیل دولت را برقراری امنیت دانسته‌اند. مسلم است که حفظ امنیت از اهداف اساسی دولت می‌باشد، به گونه‌ای که شهروندان، حتی از ناحیه حاکمیت نیز باید احساس امنیت نمایند.

بنابراین، آنچه از قول اندیشمندان اسلامی برمی‌آید این است که امنیت از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی دانسته شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ص ۲۰۱).

با توجه به این مقدمه، در مبانی اندیشه‌ای امام خمینی و رهبری انقلاب به این موضوع به صورت ویژه پرداخته شده و البته در مبانی وحیانی و روایی هم از جایگاه خاصی برخوردار است. مسئله امنیت و ثبات سیاسی که نتیجه آن می‌تواند در رفاه عمومی نیز خود را نشان دهد، در کلمات امام خمینی هر جا از امنیت و ثبات سخن به میان آمده، به مسئله رفاه عمومی نیز اشاره شده است. ایشان رابطه امنیت و رفاه و توسعه و سازندگی را یک رابطه دوسویه و متقابل می‌دانستند. به عبارت دیگر می‌توان گفت، یکی از اهداف میانی حکومت برای کارآمد بودن همین نکته است. لذا، امام خمینی از همان ابتدای حرکتشان برقراری امنیت و رفاه در جامعه را مدنظر قرار دادند. «... آیا می‌شود اصلاحی بدون آرامش؟ می‌شود در حال جنگ اعصاب و جنگ خارجی و به هم خوردن همه اوضاع، قضایا و مشکلات ما حل بشود... تا آرامش پیدا نشود هیچ اصلاحی امکان ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۷، ص ۸۱ - ۸۲).

مقام معظم رهبری نیز یکی از چشم‌اندازهای دولت کارآمد را تأمین امنیت و رفاه مردم می‌داند. «امنیت، مقوله بسیار مهمی است و بدون امنیت، یک کشور در همه عرصه‌ها و صحنه‌های فعالیت و تلاش دچار مشکل است. در مقوله علم، در مقوله پیشرفت‌های اقتصادی، در مقوله مسائل معیشتی و شهروندی، در مقوله سازندگی کشور، در همه مقولاتی که می‌تواند افتخارات بزرگ ملی را برای یک کشور به ارمغان بیاورد، پیش‌نیاز اصلی و اساسی عبارت است از امنیت» (مقام معظم رهبری، ۸۴/۲/۱۵).

البته همانطور که اشاره شد، امنیت از مهمترین شاخصه‌های کارآمدی است که در نظامات سیاسی، مصادیق زیادی از لحاظ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد. لذا، مطالبی که در اینجا از قول امام خمینی و رهبر انقلاب بیان شد، تنها شمه‌ای از آراء و نظرات این دو فقیه سیاسی است.

۴-۲-۱-۴. مسئولیت‌پذیری

از اهداف میانی دیگری که در نیل به کارآمدی و در مبانی اندیشه‌ای امام خمینی و رهبری معظم انقلاب بدان پرداخته شده و از شاخصه‌های مهم کارآمدی محسوب می‌شود، مسئله مسئولیت‌پذیری و به تبع آن پاسخگو بودن مسئولین است. در نظام سیاسی اسلام مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی پشتوانه و مبانی متقن و محکم قرآنی و روایی دارد و بیان این موضوعات از زبان رهبران نظام نیز از منابع دینی نشأت می‌گیرد. این از امتیازات نظام اسلامی و مردم‌سالاری دینی است که مدیران و کارگزاران نظام را در تمام سطوح نسبت به فرایند تصمیم‌گیری و شیوه مدیریت و نتایج و پیامدهای آن شرعاً مسئول و پاسخگو می‌داند. به همین دلیل است که مسئولیت‌پذیری در حکومت اسلامی شأن و جایگاه صرف نیست، بلکه توجه به اهلیت و رعایت شئون قبول جایگاه آن مسئولیت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از آنجا که امام خمینی حفظ اسلام و به تبع آن نظام را از اوجب واجبات می‌دانستند، فرد فرد مسئولین و مردم را در حفظ آن مورد خطاب قرار داده و کوتاهی در این امر مهم را گناهی نابخشودنی می‌دانستند «... به اندازه‌ای که از ما کار می‌آید، مسئول هستیم، یعنی امروز وضع طوری

است، به طوری حساس است وضع مملکت ما که اگر قصور بکنیم، در ادای تکلیفمان مسئولیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۷، ص ۱۰۷).

یکی از مسائل مهمی که در آغاز بحث بدان اشاره شد، بحث پاسخگو بودن مسئولین در برابر مسئولیتی که به آنها سپرده شده است، بود. در اندیشه امام خمینی، عملکرد مثبت مدیران نظام، بهترین شیوه پاسخگویی به مطالبات مردم است: «... مردم ذین خودشان را به جمهوری اسلامی تاکنون ادا کردند، به تکلیف خودشان مردم عمل کردند، اشکال در ماها است، باید ماها جواب مردم را بدهیم» (همان: ج ۴، ص ۳۰۴).

مقام معظم رهبری نیز پاسخگویی را در یک واژه عام و گسترده‌تری تحت عنوان «مسئولیت‌پذیری» تبیین نمودند و معتقدند: «پاسخگویی یک «حقیقت اسلامی» است، این همان «مسئولیت» می‌باشد. مسئولیت، یعنی هر انسانی در هر مرتبه‌ای که است، در درجه اول از خود سؤال کند. ببیند رفتار و گفتار و تصمیم‌گیری او تحت تأثیر چه بود...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱/۲۶).

ایشان بر لزوم شفاف‌سازی عملکرد مسئولین اشاره دارند و مانند امام خمینی این امر را در راستای کارآمدی نظام ضروری می‌دانند: «شفافیت معنایش این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد، این معنای شفافیت است، باید هم بکنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۶/۲۹).

با توجه به مطالبی که ذکر شد، از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری مسئولیت‌پذیری و در قبال آن پاسخگو بودن مسئولین از جمله اهداف میانی نظام ولایت فقیه در نیل به کارآمدی می‌باشد که در آن لزوم سپردن مسئولیت به افراد توانمند، تقدیرپذیری، شفافیت و حتی براساس آن مستثنی نبودن شخص ولی فقیه مورد تأکید است که بایستی در آن مدیران، کاستی‌ها را بشناسند و جبران نمایند. همچنین ادای تکلیف، تعهد در انجام کار، پاسخگو بودن در برابر مطالبات و گزارش‌دهی، از کارکردهای مدیریتی در مسئولیت‌پذیری در نظام ولایت فقیه شمرده می‌شود.

۴-۲-۱-۵. نظارت

آنچه از بیان و اندیشه عالمان علم مدیریت برمی‌آید این است که یکی از حیاتی‌ترین ارکان یک مدیریت سالم و کارآمد، وجود یک نظام کامل و دقیق نظارت و بازرسی است که نیل به کارآمدی

سیاسی نیز متضمن آن است. از آنجا که دین مبین اسلام، دینی کامل و جامع و پاسخگوی تمام نیازهای تکاملی انسان است و هر آنچه تکامل و سعادت انسان در گرو آن باشد، در آموزه‌های دینی یافت می‌شود، در این زمینه نیز دستوراتی دارد و مدیران مسلمان را به داشتن یک نظام دقیق، جدی و عادلانه نظارت و بازرسی سفارش می‌کند. نظام ولایت فقیه نیز براساس آموزه‌های دینی، توجه خاصی به این رکن حیاتی مدیریت داشته و در کلام و اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری نیز این مسئله از اهمیت بالایی برخوردار است.

امام خمینی به مسئله نظارت بر حکومت در همه مراتب آن اشاره می‌کند و در مصاحبه با خبرگزاری رویترز می‌فرماید: «این حکومت در همه مراتب خود متکی به آرای مردم و تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۱۶۰). ایشان ضمن مقایسه جامعه قبل از انقلاب با جامعه بعد از انقلاب، در پاسخ به خبرنگار مجله آلمانی اشپیگل می‌فرماید: «جامعه فردا، جامعه ارزیاب و منتقدی خواهد بود که در آن تمامی مردم در رهبری امور خویش شرکت خواهند جست» (همان: ص ۳۵۹). همچنین ایشان خاطر نشان می‌سازد: «بدیهی است در چنین منظری مردم موظفند در همه اموری که دولت یا عضوی از اعضای دولتی متکفل آن هستند در آن نظارت نمایند» (همان، ج ۵، ص ۵۲۶).

مقام معظم رهبری نیز مسئله نظارت را امری بسیار مهم در مدیریت می‌داند و می‌فرماید: «بازرسی یک نقطه‌ای است که همه مدیران کشور، در سطوح مختلف باید وجود آن را مغتنم بشمارند، چون ابزار حسن مدیریت است. چون مدیران دلسوز و دارای هدف، از اینکه چشم‌ها و گوش‌هایی در دستگاه او با هوشیاری کامل به کارشان نظارت می‌کنند و نقاط را می‌بینند و منعکس می‌کنند، استقبال می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۸۲/۲/۶).

با توجه به مطالب فوق اهمیت نظارت و کنترل در نظام ولایت فقیه دارای جایگاه ویژه‌ای است که نشان می‌دهد نه تنها نظام ولایت فقیه از این عنصر مهم در مدیریت غافل نبوده، بلکه در اندیشه و کلام امام خمینی و مقام معظم رهبری نظارت و کنترل به عنوان یکی از نظامات مهم مدیریتی و کارآمدی نظام اسلامی می‌بایست با شرایط و گاهی با تغییرات محیطی همسو باشد. لذا، آنچه از کلام این دو بزرگوار استفاده می‌شود، این است که آنچه در یک محیط نظارتی کارا به چشم

می‌خورد، وجود نفع و فایده بیشتر از هزینه آن است. لذا، وجود ویژگی‌هایی از جمله رعایت موارد قانونی در روش‌های انجام نظارت و ارزیابی، باعث افزایش کارایی این سیستم خواهد شد که از ضرورت‌های یک نظام کارآمد است.

۴-۱-۶. مشارکت سیاسی

با نگاه به مفهوم مشارکت سیاسی و تاثیر آن در نظام اجتماعی، اهمیت این شاخص در کارآمدی نظام سیاسی بیش از پیش آشکارتر می‌شود. البته مفهوم مشارکت سیاسی هرچند مفهومی جدید و نتیجه مدرنیته است، اما نباید از این موضوع غافل بود که مسئله مشارکت سیاسی با ادبیات متفاوت، ریشه در فرهنگ روایی و قرآنی دارد و در اهداف میانی در نیل به کارآمدی در نظام ولایت فقیه این عنصر به طور خاص وجود دارد که البته از آن به مردم‌سالاری دینی تعبیر می‌شود. مشارکت حداکثری مردم در تعیین رهبران اجرایی و سیاسی، ضامن تداوم، بقاء و مقبولیت بیشتر نظام خواهد بود. بنابراین، یکی از اهداف میانی در کارآمدی دولت از منظر امام خمینی این است که حکومت از اساس، جنبه مردمی داشته و بتواند مشارکت مردم را در امور مختلف جلب نماید، زیرا به اعتقاد ایشان، دولت‌ها نمی‌توانند بدون همراهی و تشریک مساعی مردم در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کاری بکنند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۰، ص ۵۵؛ ج ۱۳، ص ۱۹۳). از این رو ایشان کارآمدی و پایداری دولت‌ها را در این امر دانسته‌اند که به دست خود آنها مملکت را اداره کنند (همان: ج ۱۰، ص ۴۳۹).

مقام معظم رهبری با تاکید بر مبنای آموزه‌های سیاسی و شیعی نظریه ولایت فقیه و با التزام به شاخص‌هایی نظیر مشارکت سیاسی، انتخابات، گردش نخبگان و جدایی قوا، الگوی خاص خود را در توسعه سیاسی با ویژگی‌هایی نظیر مردم‌سالاری اسلامی، توجه به فرهنگ اسلامی و سیاسی، توزیع قدرت هدایت شده و رابطه نوین مردم و حکومت ارائه نموده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۲/۲۵).

بنابراین، از مباحث فوق نتیجه می‌گیریم که به طور کلی در اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری آنچه جلب توجه می‌کند این است که: ایشان مشارکت سیاسی را سبب کارآمدی نظام

سیاسی و تقویت انگیزه افراد نسبت به مسئول بودن آنها در مقابل جامعه می‌دانند و معتقدند این امر باعث تعیین سرنوشت، ثبات سیاسی، قانونمندی و مشارکت نخبگان خواهد شد. لذا، اهمیت این موضوع از دیدگاه هر دو فقیه سیاسی تا آنجا است که تحقق مردم‌سالاری دینی را با مشارکت آگاهانه مردم میسر می‌دانند.

۴-۲-۱-۷. مبارزه با فساد

مقابله با فساد، از جمله اساسی‌ترین و اصلی‌ترین اهداف و بلکه گوهر حرکت پیامبران الهی بوده است، که مهمترین عاملی هم که باعث شد ملت در مقابل رژیم پهلوی بایستد، مساله مبارزه با فساد بود. این عنصر یکی از اهداف میانی نظام ولایت فقیه در نیل به کارآمدی نیز می‌باشد که در راستای نظام حکومت اسلامی است. بنابراین، در اندیشه و کلام امام خمینی و مقام معظم رهبری در راستای جلوگیری از ناکارآمدی نظام تاکیدات فراوانی دیده می‌شود.

بنیانگذار انقلاب اسلامی مهم‌ترین اهداف تشکیل حکومت اسلامی را برقراری قسط و عدل و اجرای احکام الهی می‌دانستند که این موضوع نقطه مقابل فساد در مفهوم عام آن است. «اگر دولت مردان فاسد باشند، تمام مصالح کشور را به فساد می‌کشانند. دولت مردان، مقامات و مسئولان مهم‌ترین قشری هستند که باید پاکدست و تزکیه شده باشند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۳، ص ۲۰۰). مقام معظم رهبری اهتمام به مبارزه با مفساد را جلوگیری از آلودگی فضای جامعه می‌داند. ایشان از مصادیق مبارزه با مفساد را مفساد اقتصادی دانسته و می‌فرمایند: «مفساد اقتصادی، جریان آلوده‌ای است که اگر جلوگیری و با آن مبارزه نشود، کل فضا را آلوده خواهد کرد. بحث یک جرم منفرد و تک افتاده نیست. برخورد با مفساد اقتصادی برای نظام اهمیت حیاتی دارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۰۴/۰۵).

به طور کلی با نگاه به مطالب فوق در مبارزه با فساد، باید به این نکته نیز توجه کرد که پاسخگویی و شفافیت یکی از ابزارهای اصلی مبارزه با فساد به حساب می‌آید و دستیابی به نظام پاسخگویی مناسب، از ضروریات نظام ولایت فقیه در نیل به کارآمدی می‌باشد. لذا، وجود سیستم کارآمد پاسخگویی و شفافیت از سویی باعث حفظ مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی و برخورد با فساد می‌شود و از سوی دیگر می‌تواند از فساد حکومت‌ها جلوگیری کند که در اندیشه و کلام

امام خمینی و رهبری نظام به آن تصریح شده است.

۴-۲-۱-۸. آزادی‌های مدنی

آخرین هدف و شاخصه مهم در نیل به کارآمدی نظام ولایت فقیه آزادی‌های مدنی است که معمولاً در تمام نظام‌های سیاسی، حرکت‌ها و جنبش‌های انقلابی بر آن بسیار تأکید می‌شود. آنچه از مبانی نظری ولایت فقیه برمی‌آید، آزادی‌های مدنی - البته نه به معنای رایج غربی - مهمترین هدفی است که باید حکومت در تحقق آن بکوشد. از مبانی اسلامی به دست می‌آید که اسلام فارغ از افراط و تفریط، نگاه متعادل به آزادی دارد. لذا، بر مبنای اصول اسلام، آزادی غایت و ارزش مطلق نیست. این هدف در شعارهای مردم در زمان نهضت اسلامی در دوران حکومت پهلوی کاملاً مشهود است. به گونه‌ای که شعار اصلی و همیشگی راهپیمایی‌ها «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود که بر آزادی به عنوان یکی از اهداف اصلی انقلاب تأکید می‌کرد و تحقق آن را در چارچوب اسلام و شرع مقدس مطرح می‌ساخت. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «هدف ما برقراری جمهوری اسلامی است، و برنامه ما تحصیل آزادی و استقلال است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۱۹۴). «ما اسلام را می‌خواهیم که اسلام، آزادی به ما بدهد نه آزادی منهای اسلام» (همان: ج ۱، ص ۲۷۰).

مقام معظم رهبری نیز یکی از مسائل مهمی را که حکومت باید به دنبال تأمین آن باشد، آزادی دانسته و بر لزوم آن تأکید کرده است. ایشان اشاره دارند به اینکه: «آزادی باید به شکل منطقی و صحیح در جامعه تأمین شود؛ همان آزادی‌ای که انقلاب اسلامی و نظام اسلامی پرچمش را در دنیای اسلام بلند کرد؛ نه آزادی به شکل افراطی، تقلیدی و من‌درآوردی ... ما به آزادی معتقدیم. اعتقاد ما به آزادی و تأمین حقوق شهروندی در مسائل اجتماعی هم ریشه‌دار و دارای مبنای دینی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵).

با توجه به آنچه که گذشت می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه اسلام، قوانین الهی و اسلامی تبیین‌کننده مفهوم آزادی بوده و محدوده آن را معین کرده است. علاوه بر این، تأمین آن را نیز از سوی نظام اسلامی ضروری و لازم می‌سازد. آنچه از مبانی نظری این دو فقیه و رهبران انقلاب اسلامی برمی‌آید این است که آزادی مهمترین هدفی است که باید حکومت در اهداف میانی خود

برای نیل به کارآمدی بدان اهتمام وافر داشته و در تحقق آن بکوشد. طبق این دیدگاه، آزادی حتی بر رفع تبعیض و توزیع عادلانه امکانات اولویت دارد.

۵. نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی بارز شاخصه‌های هشت‌گانه کارآمدی در نظام ولایت فقیه، آن است که تابع اصول و ارزش‌های دینی باشد و براساس اهدافی که دارد کارآمدی خود را بنابر میزان تعهد خود تا حد وسع و توانش براساس انجام تکلیف، پیگیری نماید که قلمرو آن، هم شامل امور دنیوی است و هم اخروی. بنابراین، حکومت تکلیف‌مدار دینی، تدبیر امر معاش و معاد مردم را با هم به عهده دارد. در حکومت دینی، دین، روح سیاست است و سیاست تابع دین قرار می‌گیرد. ولایت فقیه و رهبری هم امام جامعه است، یعنی قرار است که طبق اصول با تعیین سیاست‌های کلان، تا آنجا که می‌تواند جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب و کارآمد هدایت کند. از طرف دیگر، تجربه حکومت‌داری براساس مقتضایات زمان، در نگاه اسلام جایگاه دارد و لذا نظام اسلامی می‌تواند با حفظ اصول کلی و مبانی ارزشی، از دستاوردهای علمی روز و تجربه بشری جهت کارآمدی هرچه بیشتر استفاده نماید. حاصل جمع این تفکر این می‌شود که: خدا باوری و حق محوری روح حاکم بر سیاست دینی در اسلام و اندیشه حکومت ولایت فقیه است. لذا، براساس خداباوری و در چارچوب حق‌مداری و حاکمیت قانون الهی عدالت‌ورزی، تأمین رفاه مادی، امنیت، مسئولیت‌پذیری، نظارت و بازرسی، کرامت و آزادی انسان، به صورت تکلیفی از اهداف میانی در نیل به کارآمدی حکومت اسلامی است و تأمین سعادت و هدایت و آزادی و رهیدن از زنجیر بردگی غیر، در زمره اهداف نهایی به عنوان مقدمه کارآمدی حکومت اسلامی قرار دارد. بنابراین، به مقتضای مبانی جهان‌شناختی و معرفت‌شناختی اسلام، نه خدامحوری و آخرت‌گرایی در تضاد با آبادانی دنیا و تحقق مولفه‌های کارآمدی است و نه آبادانی دنیا مانع از سعادت‌مندی اخروی است. در نتیجه تدبیر درست دنیا می‌تواند در راستای اهداف اخروی بوده و منافاتی با کارآمدی نظام سیاسی نداشته باشد.

منابع

قرآن کریم.

۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). حق و تکلیف در اسلام. قم: مرکز نشر اسراء.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۱/۰۴/۰۵). بیانات در دیدار کارکنان قوه قضاییه. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23006>
۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴/۲/۱۵). بیانات در دیدار مردم کرمان. قابل دسترس در: www.aviny.com/Bayanat/84/02_15.aspx
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲/۰۵/۱۵). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸/۱۱/۱۶). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44827>
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶/۲/۲۵). بیانات در دیدار مسئولین نظام. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36824>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳/۱/۲۶). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44827>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸/۶/۲۹). بیانات در دیدار مسئولین نظام. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42512>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۸۲/۲/۶). بیانات در دیدار مسئولان سازمان بازرسی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=17929>
۱۰. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۳). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۳، ۷، ۴-۵، ۲۰، ۱۰، ۱.
۱۲. در مکتب جمعه. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۳.
۱۳. ذوعلم، علی (۱۳۷۹). تجربه کارآمدی حکومت ولایی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۱۵. نصری، عبدالله (۱۳۸۷). *گفتمان مدرنیته*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2020.115184.1460

رهدار، احمد؛ موسوی شریانی، سیدجلال (۱۳۹۹). *شاخصه‌های کارآمدی سیاسی نظام برآمده*

از اندیشه ولایت فقیه. *سیاست متعالیه*، ۸ (۲۹): ص ۲۱۱-۲۳۰